

رابطه جنسیت و اضطراب آشکار و پنهان: نقش دل‌بستگی به خدا و پایگاه هویت من

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۰

عباس آینه‌چی^۱، حمیدرضا حسن‌آبادی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین جنسیت و اضطراب آشکار و پنهان با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی دل‌بستگی به خدا و پایگاه هویت من در دانشجویان دانشگاه قم انجام شد. در این مطالعه همبستگی، تعداد ۳۷۰ نفر دانشجوی (۱۹۰ پسر و ۱۸۰ دختر) از میان دانشجویان دانشگاه قم انتخاب شدند و به آزمون گسترش یافته عینی پایگاه هویت من، دل‌بستگی به خدا و پرسش‌نامه اضطراب کنترل پاسخ دادند. نتایج نشان داد که بین جنسیت و اضطراب رابطه معناداری وجود ندارد و جنسیت پیش‌بینی‌کننده معناداری برای اضطراب نیست، اما هویت تحقق‌یافته، هویت بحران‌زده و دل‌بستگی به خدا با اضطراب رابطه داشته و به‌طور معناداری می‌توانند اضطراب را پیش‌بینی نمایند. بر اساس نتایج رگرسیون چندگانه سلسله‌مراتبی، اثر متقابل جنسیت و هویت تحقق‌یافته و نیز اثر متقابل جنسیت و هویت بحران‌زده برای اضطراب آشکار معنادار بود، ولی برای اضطراب پنهان معنادار نبود. به علاوه، اثر متقابل جنسیت و دل‌بستگی به خدا برای اضطراب معنادار نبود. همچنین نتایج نشان داد که جنسیت همراه با هویت و دل‌بستگی به خدا مقدار اندکی به واریانس تبیین‌شده اضطراب آشکار و پنهان می‌افزاید که قابل توجه نیست. بنابراین، می‌توان گفت که احتمالاً نمی‌توان اضطراب را به جنسیت نسبت داد، بلکه متغیرهای دیگری مانند پایگاه هویت من و دل‌بستگی به خدا نقش مهمتری در تبیین اضطراب دارند که می‌توان آنها را متغیر پیش‌بین برای اضطراب معرفی کرد.

واژگان کلیدی: اضطراب آشکار، اضطراب پنهان، جنسیت، دل‌بستگی به خدا،

پایگاه هویت من.

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، مؤسسه امام خمینی (ع.ج) و پژوهشگر مرکز تحقیقات زن و خانواده، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: ab.ayenehchi@yahoo.com

۲. استادیار روان‌شناسی تربیتی، هیئت علمی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: dr.hassanabadi@khu.ac.ir

عصر حاضر را عصر اضطراب^۱ نامیده‌اند و در چنین عصری تظاهرات اضطراب بسیار فراوان است. اضطراب، هیجانی است که با نگرانی و علائم جسمانی تنش مشخص می‌شود که در آن، فرد خطر محتمل الوقوع، فاجعه یا بدبختی را پیش بینی می‌کند و غالباً علائم دستگاه سمپاتیک مثل سردرد، تعریق، تپش قلب، احساس تنگی در قفسه سینه و ناراحتی مختصر معده نیز با آن همراه است (گری، ۲۰۱۵). اضطراب در دو مقوله آشکار و پنهان قابل بحث است؛ اضطراب آشکار می‌تواند مقطعی از زندگی شخص محسوب شود یا به عبارتی، بروز آن به موقعیت‌های تنش‌زا اختصاص دارد، اما اضطراب پنهان به تفاوت‌های فردی در پاسخ به موقعیت‌های پر استرس با میزان‌های مختلف اضطراب آشکار دلالت دارد. به هر حال، می‌توان بین اضطراب آشکار نشانه‌دار و اضطراب پنهان که هشیارانه به کار نمی‌افتد، تمایز ایجاد کرد (پرون، و پرون، ۱۳۸۴).

بررسی رابطه جنسیت و اضطراب یکی از موضوعاتی است که مورد علاقه پژوهشگران بوده است. برخی از پژوهش‌ها تفاوت بین زنان و مردان را در انواع اضطراب از جمله اضطراب مرگ (تورسن، و پوول، ۲۰۰۶؛ حیدری، خلیلی شرفه، و خداپناهی، ۱۳۸۸؛ منصورنژاد، و کجیاف، ۱۳۹۱)، اضطراب سلامتی (داوودی، نرگسی، و مهرابی‌زاده، ۱۳۹۱)، اضطراب امتحان (مصطفی‌زاده، جهان‌سیر، و اشرفی، ۱۳۸۸)، اضطراب در بیماران (جعفری، بقایی، کاظم‌نژاد، و صدقی‌ثابت، ۱۳۹۳)، اضطراب یادگیری زبان (اختری، ۱۳۸۹)، اضطراب آشکار و پنهان (خزایی، رضایی، قدمی، و طهماسبیان، ۱۳۸۸) و حالت اضطرابی (رضایی، ناجی اصفهانی، مؤمنی، و امین‌الرعا، ۱۳۹۱) گزارش کرده‌اند.

این پژوهشگران در تبیین تفاوت بین زنان و مردان در اضطراب، دیدگاه‌های متفاوتی را بیان کرده‌اند. طرفداران تبیین‌های بیولوژیک، کلید فهم تفاوت‌های جنسیتی در اختلالات روانی را در هورمون‌های زنان و مردانه دانسته‌اند. (بیگل، ۱۹۹۱، به نقل از شر، و لارنس، ۲۰۰۶) در سال‌های اخیر بیشتر پژوهشگران از ارائه الگویی صرفاً بیولوژیک اجتناب کرده و بر نقش

1. anxiety
2. Gary, R.
3. Perron, B., & Perron, M.
4. Thorson, J. A., & Powell, F. C.
5. Paykel, L.
6. Sherr, L., & Lawrence, J.

عوامل روانی - اجتماعی تأکید نموده‌اند.

اسمخانی اکبری نژاد، نصیرنژاد و اعتمادی (۱۳۹۳) ضمن پذیرش مبانی زیستی اضطراب مانند تغییرات هورمونی در زنان، شدت و نحوه آن را به مسائل روان شناختی مرتبط می‌دانند. بینگتون (۱۹۸۸، به نقل از شر، ولانس، ۲۰۰۰) معتقد است که به دیدگاهی نیاز است تا متغیرهای اجتماعی، روان شناختی و بیولوژیک را برای فهم اختلالات روانی هماهنگ نماید. از این رو، پژوهشگران به تبیین‌های روانی - اجتماعی پرداخته‌اند. برای مثال، تامرس^۱ (۲۰۰۲) معتقد است آنچه زنان را بیش از مردان مستعد اضطراب سلامتی می‌کند، ممکن است به نقش‌های جنسیتی و نحوه اجتماعی شدن زنان در اجتماع برگردد؛ چرا که زنان به دلیل نقش جنسیتی‌شان بیشتر به بروز احساسات و جستجوی حمایت اجتماعی تشویق می‌شوند در حالی که مردان بیشتر به انکار موقعیت‌های فشارزا و استقلال تشویق می‌شوند. تیلور و آسموندسون^۲ (۲۰۰۴) نیز معتقدند زنان بیشتر از مردان به خاطر رفتارهای جستجوی سلامتی و حمایتی در جامعه تشویق می‌شوند. گینسبرگ^۳ (۲۰۰۴) بیان می‌کند که بر اساس مدل یادگیری اجتماعی، رفتار اطمینان‌جویانه و ابراز نگرانی در زنان قابل پذیرش‌تر و در نتیجه پذیرش نقش بیمار بین آنها رایج‌تر است. فینگلد^۴ (۱۹۹۴) این تفاوت را به سبک ارتباطی زنان نسبت می‌دهد و می‌گوید زنان بیشتر از مردان دارای شبکه ارتباطی گسترده هستند و این صفات ارتباطی و وابستگی‌های درونی با همدیگر، آنها را به ابراز راحت‌تر احساسات و همچنین رفتارهای جستجوی سلامتی تشویق می‌کند. از نظر منصورنژاد و کجباف (۱۳۹۱) زنان احتمالاً احساس‌های آزارنده مربوط به مرگ و میر را بیشتر می‌پذیرند و مردان بیشتر از آن اجتناب می‌کنند؛ توجیهی که با بیانگری هیجانی بیشتر زنان در طول عمر هماهنگ است.

این پژوهشگران تلاش کرده‌اند اضطراب را بر اساس جنسیت تبیین نمایند. نکته قابل تأمل این است که اگر تفاوت در اضطراب به تفاوت جنسیتی نسبت داده شود، پس باید بتوان با توجه به جنسیت، اضطراب را پیش‌بینی کرد؛ حال آنکه در برخی از پژوهش‌ها

1. Tamres, T. L.
2. Taylor, S., & Asmundson, G.
3. Ginsberg, D.
4. Fiengold, A.

از جمله نوروزی بردجی (۱۳۷۷)، شعیری، ملامیرزایی، پروری، شه‌مرادی و هاشمی (۱۳۸۳)، رحیمی و یداللهی (۱۳۹۰)، سرآبادانی تفرشی، بلوردی و قیاسی (۱۳۹۰)، ترابی، محمدی‌فر، خسروی، شایان و محمدجانی (۱۳۹۱) و بزرگر بفرولی، جان بزرگی و نیوشا (۱۳۹۱) عدم تفاوت بین مردان و زنان مشاهده نمی‌شود و این بدان معناست که احتمالاً نمی‌توان براساس جنسیت، اضطراب را پیش‌بینی کرد. بنابراین، با توجه به تناقض در یافته‌ها می‌توان احتمال داد که تفاوت بین زنان و مردان در اضطراب، به تفاوت آن دو گروه در متغیرهای دیگری غیر از جنسیت ارتباط دارد.

یافته سرآبادانی و همکاران (۱۳۹۰) مؤید این احتمال است؛ زیرا او گزارش کرده است که از سه متغیر انگیزه پیشرفت تحصیلی، عزت نفس و جنسیت، بیشترین میزان واریانس اضطراب توسط عزت نفس تبیین می‌شود و دو متغیر دیگر توان پیش‌بینی اضطراب را ندارند و جنسیت تنها ۱۶/۰٪ واریانس اضطراب را تبیین می‌کند. بهاری و فرکیش (۱۳۸۸) نیز اثر چهار متغیر هویت فردی، سبک‌های دلبستگی، جنسیت و محل اقامت در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی را بررسی کردند و نشان دادند که جنسیت بتای معناداری ندارد و هویت آشفته و دلبستگی ایمن بتای معنادار دارند. بنابراین، به نظر می‌رسد باید به دنبال متغیرهایی بود که بتوان براساس آنها تبیین بهتری از اضطراب ارائه کرد. از این رو، در پژوهش حاضر، پژوهشگر با مرور ادبیات پژوهشی احتمال به بررسی دو متغیر دلبستگی به خدا^۱ و هویت^۲ در رابطه بین جنسیت و اضطراب پرداخت؛ چراکه برخی از پژوهش‌ها ارتباط این دو متغیر را با اضطراب و برخی دیگر ارتباط این دو را با جنسیت مورد بحث قرار داده‌اند. مفهوم دلبستگی به خدا که پژوهشگران از جنبه‌های مختلف آن را مورد بررسی قرار داده‌اند، بسط مفهوم دلبستگی بالبی^۳ است که به عنوان «ارتباط و پیوند روانی پایدار بین دو انسان» توصیف می‌شود. (بالبی، ۱۹۶۴، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰). کرک پاتریک^۴ (۱۹۹۶، ۱۹۹۹، کرک پاتریک، و شیور، ۱۹۹۶^۵) نظریه بالبی را به قلمرو دین تعمیم داد. وی نشان داده است که این مبنای

1. attachment to God
2. identity
3. Bowlby, J.
4. Kirkpatrick, L. A.
5. Shaver, P. R.

نظری ممکن است به تبیین تفاوت‌های فردی در دین‌داری کمک کند. از آنجاکه برداشت اصلی اکثر افراد از دین و مذهب، داشتن رابطه‌ای نزدیک با خداوند است نه صرفاً مجموعه‌ای از باورها و اعمال (کرک پاتریک، ۱۹۹۹؛ آرگیل^۱، ۲۰۰۰؛ روات^۲، و کرک پاتریک، ۲۰۰۲)، کرک پاتریک (۱۹۹۴) خاطرنشان کرده است که برای بسیاری از مردم، خدا چهره مهم دلبستگی است. بنابراین، دلبستگی به خدا با عنوان ارتباط و گرایش فرد به خداوند تعریف می‌شود؛ در این تعلق خاطر، خداوند پایگاه امنی شناخته می‌شود که در همه شرایط می‌توان او را جستجو کرد (گرانکوویست^۳، میکولنسر^۴، و شیور^۵، ۲۰۱۰). کرک پاتریک (۱۹۹۴) به نقل از شیخ، احمدی، غباری بناب، و احمدی زاده، (۱۳۹۱) معتقد است افرادی که دلبستگی ایمن^۵ به خدا دارند از شاخص‌هایی همچون ارزش‌دهی به رابطه‌شان با خدا، انگاره ذهنی مثبت از خدا و تجارب رابطه مثبت برخوردارند. در مقابل، آنهایی که نیم‌رخ دلبستگی دوسوگرا^۶ به خدا دارند از عدم اعتماد و اطمینان به حمایت و حفاظت خداوند، دل‌مشغولی - شیفتگی متوسط تا افراطی نسبت به رابطه‌شان با خدا، احساسات مبهم و نوسانی نسبت به خدا و تجارب نوسانی برخوردارند. افراد با دلبستگی اجتنابی^۷ نیز ممکن است شاخص‌هایی مثل بی‌ارزش جلوه دادن، فاصله یا کاهش رابطه‌شان با خدا در تجارب رابطه‌ای، غلبه تجارب منفی بر تجارب مثبت و خنثی و اجتناب از توکل به خدا را گزارش کنند.

از طرفی در پژوهش‌های متعددی ارتباط دلبستگی به خدا و اضطراب مشاهده می‌شود. برای مثال کرک پاتریک و شیور (۱۹۹۶) و سیم و لوح^۸ (۲۰۰۳) نشان دادند که روابط دلبستگی انسانی و دلبستگی ایمن به خدا با شاخص‌های سلامتی و بهزیستی از قبیل خوشبینی، رضایت از زندگی، کاهش اضطراب و افسردگی و کاهش در نشانگان بیماری‌های جسمانی همراه است. همچنین دلبستگی نایمن به خدا با اضطراب بالاتر، سلامت روان پایین و مشکلات سازگاری، کاهش در سلامت و بهزیستی مذهبی و وجودی، نورزگاری و افزایش

1. Argyel, M.
2. Rowatt, W. C.
3. Granqvist, P.
4. Mikulincer, M.
5. secure attachment
6. ambivalent attachment
7. avoidance attachment
8. Sim, T. N., & Loh, B. S. M.

هیجان‌های منفی توأم است (بک، و مکدونالد، ۲۰۰۴؛ روات، و کرکیاتریک، ۲۰۰۲، به نقل از غباریناب، و حدادی، ۱۳۹۰). میکولنسر، شاور و هارش^۲ (۲۰۰۷) نیز نشان دادند که دلبستگی با الگوی ایمن نسبت به سبک دلبستگی اجتنابی از سازگاری روان‌شناختی و سلامت روان بهتری برخوردارند. دلبستگی ایمن به خدا با سازگاری هیجانی بهتر ارتباط دارد (بلاویچ، و پارگمنت، ۲۰۰۲). از سوی دیگر پژوهش علیایی، سامانی و فانی (۱۳۹۰) تفاوت بین پسران و دختران در دلبستگی به خدا را نشان داد.

هویت، متغیر دیگری است که احتمالاً در ارتباط دو متغیر اضطراب و جنسیت تأثیرگذار است. این مفهوم اساسی و در عین حال گسترده، در نظریه روانی - اجتماعی اریکسون^۴ مطرح و مورد تأکید قرار گرفته است. اریکسون معتقد است انسان در جریان تعامل با واقعیت بیرونی، دید خود را نسبت به جهان توسعه می‌دهد. این تعامل بین «من» و «جهان خارج» به تفسیری عقیدتی از محیط منجر می‌شود. بدون تفسیری عقیدتی از جهان هستی، «من» انسان نمی‌تواند تجارب متناسب با ظرفیت‌های ویژه خود را توسعه دهد و سازماندهی کند (۱۹۶۸، به نقل از مونتگومری، ۲۰۰۵). اریکسون احساس داشتن هویت را اینگونه مفهوم‌سازی کرده است: «سازماندهی پویا و خودساخته از سائق‌ها، توانایی‌ها، باورها و تاریخ شخصی به صورت یک «خود» منسجم و مستقل که هدایت‌کننده مسیر در حال رشد زندگی فرد است». دست یافتن به احساسی از هویت، جنبه مهمی از رشد بهنجار و سالم است (کروگر، ۱۹۹۷).

مارسیا^۵ (به نقل از میوس، ۱۹۹۳) به پیروی از اریکسون، هویت را ترکیبی از باورها، ارزش‌ها، نقش‌ها، رفتارها و مهارت‌های مختلف شناختی، اخلاقی و عملی می‌داند که در دوران بزرگسالی به صورت منسجم و ترکیب یافته تبدیل می‌شود و موجب می‌شود فرد هم احساس پیوستگی نسبت به گذشته خودش پیدا کند و هم جهت‌گیری خود را نسبت

1. Beck, R., & McDonald, A.
2. Mikulincer, M., Shaver P. R., & Hoshes, N.
3. Belavich, T. G., & Pargament, K. I.
4. Erikson, E. H.
5. Montgomery, M. J.
6. Kroger, J.
7. Marcia, J. E.
8. Meeus, W.

به آینده ترسیم نماید. اکتشاف و تعهد، متغیرهای اصلی در مدل پایگاه‌های هویت من مارسیا می‌باشد؛ این متغیرها امکان توزیع افراد را به چهار پایگاه هویت فراهم می‌نمایند که عبارتند از:

- هویت تحقق‌یافته^۱ (اکتشاف (بلی)، تعهد (بلی)): افرادی که هویت کسب کرده‌اند به یک رشته ارزش‌ها و اهدافی پایبند هستند که خودشان برگزیده‌اند و تعهدی نسبتاً پایدار را در خود ایجاد کرده‌اند.

- هویت بحران‌زده^۲ (اکتشاف (بلی)، تعهد (خیر)): افراد دارای تعلیق، کسانی هستند که تعهدات قطعی برای خود ایجاد نکرده‌اند. آنها سرگرم فرایند کاوش هستند به امید آنکه ارزش‌ها و اهدافی را برای زندگی خود بیابند.

- هویت دنباله‌رو^۳ (اکتشاف (خیر)، تعهد (بلی)): این افراد هویت ضبط شده دارند؛ یعنی خود را به ارزش‌ها و اهدافی متعهد ساخته‌اند، اما به مجموعه‌ای از ارزش‌ها براساس تصمیم دیگران (معمولاً والدین خود) متعهد شده‌اند.

- هویت سردرگم^۴ (اکتشاف (خیر)، تعهد (خیر)): افراد دارای پراکندگی هویت، کسانی هستند که جهت روشنی ندارند، پایبند ارزش‌ها و اهداف نیستند و برای رسیدن به آنها تلاش نمی‌کنند.

از ظرفی اریکسون (۱۹۶۵) به ارتباط هویت و سلامت روان اشاره نموده است. از نظریه اگر هویت جوان به طور صحیح شکل بگیرد و جوان خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد، تعادل روانی او تضمین می‌شود. ساختار هویت شکل‌گرفته و یکپارچه، حس هدفمندی و جهت داشتن را به فرد می‌دهد که در نهایت به فرد در تصمیم‌گیری، حل مسئله، مقابله مؤثر با الزامات زندگی روزمره و سازگار شدن با محیط‌های جدید منجر می‌شود (برزونسکی، و کوک، ۲۰۰۵). پاسمور، فوگارتی، بورک و بیکر^۶ (۲۰۰۵) و اسکوارت^۷ (۲۰۰۷) نشان می‌دهند هویت موفق با سلامت



1. achievement
2. moratorium
3. foreclosure
4. diffusion
5. Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S.
6. Passmore, N. L., Fogarty, G. J., Bourke, C. J., & Baker-Evans S. F.
7. Schwartz, S. J.

روان رابطه دارد و یک حس پایدار از هویت به صورت مثبت، بهزیستی روانی را تسهیل می‌کند و در مقابله با اضطراب، افسردگی و حل مشکلات رفتاری نقش حمایتی دارد. از سوی دیگر، اریکسون (۱۹۶۸) معتقد است که تحول هویت در زنان و مردان متفاوت است؛ نتایج تحقیقات طی سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰، نظریات اریکسون درباره تفاوت‌های جنسیتی در شکل‌گیری هویت را تأیید کردند. در سال‌های قبل از ۱۹۸۰ دستیابی به هویت بین مردان و زنان جداگانه بررسی می‌شد؛ چون گمان می‌رفت هر جنس به گونه‌ای متفاوت به هویت می‌رسند، اما از ۱۹۸۰ به بعد در بررسی‌ها هر دو جنس را با هم در نظر گرفتند و تفاوت‌ها و شباهت‌ها را بین دو جنس در شکل‌گیری هویت مطالعه کردند (آقاجانی، ۱۳۸۷). آرچر (۱۹۹۲، به نقل از آقاجانی، ۱۳۸۷) بعد از مرور یافته‌های پژوهش‌های موجود، به این نتیجه رسید که در حال حاضر تفاوت‌های جنسیتی در هویت، استثنا هستند تا قاعده، اما متذکر می‌شود که فرایند شکل‌گیری هویت به علت وجود موانع بیرونی رشد برای زنان می‌تواند دشوارتر باشد. پژوهشگرانی مانند میکائیلی منیع (۱۳۸۸)، دانشورپور، تاجیک اسماعیلی، شهرآرای، فرزاد و شکری (۱۳۸۶)، شکرکن، امیدیان، نجاریان و حقیقی (۱۳۸۰) و بیرامی (۱۳۸۹) نیز نشان دادند که پسران و دختران در سبک‌های هویت و تعهد هویتی و نیز پایگاه هویت من تفاوت معناداری دارند.

با مراجعه به ادبیات پژوهش، فقدان شواهد تجربی کافی درباره کیفیت ارتباط متغیرهای جنسیت، پایگاه هویت من و دلبستگی به خدا با اضطراب آشکار و پنهان قابل مشاهده است. به کار بردن بیش از یک متغیر پیش‌بین می‌تواند تصویر کامل‌تری از چگونگی کارکرد پدیده‌های جهان ترسیم کند؛ زیرا عوامل تعیین‌کننده سازه‌های علوم رفتاری بسیار متعدد است. اینکه فقط از یک متغیر واحد برای پیش‌بینی استفاده شود، در بهترین حالت فقط یکی از آن عوامل را مشخص خواهد کرد. پیوند و ترکیب عوامل و تعیین سهم هر یک از عوامل در تبیین یک پدیده نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند.

مهمترین محدودیت‌هایی نظری این پژوهش این است که شواهد کافی برای امکان پیش‌بینی اضطراب آشکار و پنهان بر اساس جنسیت وجود ندارد، شواهد برای امکان پیش‌بینی اضطراب آشکار و پنهان بر اساس هویت کافی نیست، شواهد کافی برای امکان پیش‌بینی اضطراب آشکار و پنهان بر اساس دلبستگی به خدا در دسترس نیست،

پیش‌بینی اضطراب آشکار و پنهان بر اساس سه متغیر جنسیت، دلبستگی به خدا و پایگاه هویت مورد بررسی قرار نگرفته است و سهم اثر هر یک از این سه متغیر در تبیین واریانس اضطراب روشن نیست. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش بررسی سهم اثر هر یک از متغیرهای جنسیت، دلبستگی به خدا و پایگاه هویت من در پیش‌بینی اضطراب آشکار و پنهان است. همچنین این سؤالات که از متغیرهای جنسیت، پایگاه هویت من و دلبستگی به خدا کدام سهم بیشتری در تبیین اضطراب آشکار و پنهان دارند؛ آیا دلبستگی به خدا در رابطه میان جنسیت و اضطراب آشکار و پنهان تأثیرگذار است و آیا پایگاه هویت من در رابطه میان جنسیت و اضطراب آشکار و پنهان تأثیرگذار است؟ نیز مورد بررسی قرار گرفت.

۲. شیوه اجرای پژوهش

۱-۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، بنیادی و از حیث شیوه جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است. برای بررسی رابطه همزمانی جنسیت، دلبستگی به خدا و پایگاه هویت من و اضطراب آشکار و پنهان به طور جداگانه و دوبه‌دو از همبستگی پیرسون و برای بررسی رابطه تابعی و پیش‌بین میان آنها از تحلیل رگرسیون چندگانه سلسله‌مراتبی استفاده و داده‌ها با نرم‌افزار SPSS ۲۳ تحلیل شد.

۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دختر و پسر دانشگاه قم در سال ۱۳۹۵ بود. حجم جامعه آماری ۹۰۷۸ نفر، شامل ۴۴۱۴ دختر (۴۸٫۶۲٪) و ۴۶۶۴ پسر (۵۱٫۳۸٪) بود که بر اساس جدول کرجسی و مورگان^۱ (۱۹۷۰، به نقل از سرمد، بازگان، و حجازی، ۱۳۹۴) ۳۷۰ نفر (۱۸۰ دختر و ۱۹۰ پسر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند.



۲-۳. ابزار پژوهش

۲-۳-۱. پرسش نامه پایگاه هویت من (EIS-EOM-۲)

آزمون گسترش یافته عینی پایگاه هویت من^۱ توسط آدامز^۲ در سال ۱۹۷۹ ساخته شد که حاوی ۲۴ سؤال بود و بعد ایدئولوژیک را مورد سنجش قرار می داد. او در سال ۱۹۸۴ بعد بین فردی را نیز به آن اضافه کرد و سرانجام در سال ۱۹۸۶ تجدیدنظر دوم و نهایی آزمون را منتشر کرد. این آزمون دارای ۶۴ سؤال است که ۳۲ سؤال آن مربوط به بعد ایدئولوژیک و ۳۲ سؤال آن مربوط به بعد بین فردی است. روایی آزمون به روش همسانی درونی محاسبه و ضریب روایی کل آزمون ۰/۷۸ گزارش شده است. روایی همگرا بین زیرمقیاس ها تا ۰/۹۳ و روایی واگرا بین زیرمقیاس ها تا ۰/۷۶ است. روایی همزمان آزمون با استفاده از پرسش نامه رشد روانی - اجتماعی کانستانتینوپل و مصاحبه پایگاه هویت مارسیا ارزیابی شده است و نشان می دهد که قرار گرفتن در مرحله بالای رشد روانی - اجتماعی با قرار گرفتن در پایگاه دستیابی به هویت، همبستگی مثبت (۰/۵۲) و با قرار گرفتن در سایر پایگاه ها، همبستگی منفی (۰/۳۸) دارد. در پژوهش عسگریان مقدم زنجانی، باقری، جزایری، ترکمان و امیری (۱۳۹۲) برای محاسبه اعتبار آزمون، آلفای کرونباخ به کار برده شد که برای هر یک از خرده مقیاس ها یعنی، هویت کسب شده، تعلیق یافته، ضبط و پراکنده و کل پرسش نامه به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۲، ۰/۶۳، ۰/۷۱ و ۰/۷۴ گزارش شده است. آلفای کرونباخ در این پژوهش برای خرده مقیاس های هویت تحقق یافته، بحران زده، دنباله رو و سردرگم به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۸۶ و ۰/۸۱ به دست آمده است.

۲-۳-۲. پرسش نامه دلبستگی به خدا (ATG)

پرسش نامه دلبستگی معنوی مسلمانان با پرسش نامه دلبستگی به خدا با هدف سنجش دلبستگی مسلمانان به خدا تهیه شده است. (غباری بناب، وحدادی کوهسار، ۱۳۹۰) این پرسش نامه در شکل نهایی خود پس از حذف سؤالات ناهمگن با کل پرسش نامه به صورت یک پرسش نامه ۳۷ سؤالی در مقیاس ۷ درجه ای لیکرت ارائه شده است. تحلیل

1. Extended Objective Measure of Ego Identity status – 2nd version

2. Adams, G. R.

عاملی پرسش نامه نشان داد که ۴ عامل فرعی در آن وجود دارد که در زیر دو عامل اساسی (برداشت درونی از خود و برداشت درونی از خدا) خلاصه می‌شوند. این عوامل به طور دقیقی با مبنای نظری دل‌بستگی توافق دارد و نشان دهنده روایی درونی پرسش نامه و شاخص روایی سازه و هماهنگی پایگاه تئوریک آن است.

چهار عامل اساسی پرسش نامه عبارتند از: پایگاه امن، پناهگاه مطمئن، بودن موضوع دل‌بستگی (جوارجویی به موضوع دل‌بستگی در مواقع استرس‌زا)، و اعتراض به جدایی موضوع دل‌بستگی. این چهار عامل عملکرد فرایند و سیستم دل‌بستگی در زیر دو الگوی درونی کاری یعنی، الگوی کاری درونی از خود دیگری (خدا) جامی‌گیرند و نشان دهنده سلسله مراتبی بودن عوامل پیدا شده در پرسش نامه است. تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی هر دو هماهنگی الگوی پیدا شده با مبنای نظری دل‌بستگی را تأیید می‌کنند. افزون بر این شاخص، آلفای کرونباخ برای هر کدام از ابعاد، نشان دهنده همسانی درونی بالای هر کدام از ابعاد پرسش نامه است. آلفای کرونباخ برای بعد الگوی درونی از خدا ۰/۹، الگوی درونی از خود ۰/۸۵ می‌باشد. روایی درونی چهار عامل کارکرد موضوع دل‌بستگی نیز بسیار بالاست. همسانی درونی عامل پایگاه امن ۰/۸۸، عامل پناهگاه مطمئن ۰/۹۳، عامل اعتراض به جدایی ۰/۸۶ و عامل جوارجویی ۰/۹ گزارش شده است (غباری بناب، و حدادی کوهسار، ۱۳۹۰). در مجموع می‌توان این آزمون را از لحاظ روایی و پایایی یک آزمون کارآمد تلقی کرد. آلفای کرونباخ در این پژوهش برای خرده‌مقیاس‌های پایگاه امن، پناهگاه مطمئن، اعتراض به جدایی، جوارجویی، الگوی درونی از خود و الگوی درونی از خدا به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۷، ۰/۹۱، ۰/۷۴ و ۰/۹۲ به دست آمد.

۳-۳-۲. پرسش نامه اضطراب کتل (CAQ)

پرسش نامه اضطراب کتل^۱ توسط کتل^۲ ساخته شده است. این پرسش نامه از ۴۰ ماده تشکیل شده که با اجرای آن سه نمره اضطراب کل، اضطراب پنهان و اضطراب آشکار به دست می‌آید. همبستگی اضطراب کل با شاخص اضطراب «ولش» در حد ۰/۷۲ نشان داده شده است. همبستگی اضطراب آشکار با مقیاس‌های پورسل، تیلور و مدلین به ترتیب در

1. Cattel Anxiety Questionnaire
2. Cattel, R. B.

حد ۰/۵۱، ۰/۶۵ و ۰/۴۳ گزارش شده است. این پرسش نامه در سال ۱۳۶۷ در یک نمونه ایرانی با تعداد ۱۶۳۴۲ پسر و ۸۵۳۲ دختر دانشجوی دانشگاه تهران در دامنه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال هنجاریابی شد و دارای نمرات تراز برای هر سه نمره است. در پژوهش پورا اعتماد و سالاری فر، اعتبار این پرسش نامه به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که ضریب آلفا برای خرده مقیاس های اضطراب پنهان، اضطراب آشکار و برای کل مقیاس به ترتیب ۰/۵۹، ۰/۶۹ و ۰/۷۷ به دست آمده است. همچنین رسولی و همکاران (۱۳۹۲) برای بررسی مجدد اعتبار پرسش نامه اضطراب کنترل، از طریق آلفای کرونباخ، ضریب اعتبار ۰/۷۷ را گزارش کردند. (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵) آلفای کرونباخ در این پژوهش برای خرده مقیاس های اضطراب پنهان، اضطراب آشکار و برای کل مقیاس به ترتیب ۰/۵۵، ۰/۷۱ و ۰/۷۶۷ به دست آمد.

۳. یافته های پژوهش

پیش از تجزیه و تحلیل داده ها، پالایش داده ها و بررسی مفروضه های رگرسیون چند متغیری انجام شد. در دو متغیر هویت تحقق یافته و دل بستگی اضطرابی فقط یک اندازه از دست رفته (۰/۲۷) وجود داشت که با توجه به مقدار ناچیز آن، روش حذف فهرستی^۱ مورد استفاده قرار گرفت و در متغیر سن، هفت اندازه از دست رفته (۱/۸۹) وجود داشت که از روش جایگزین کردن میانگین^۲ استفاده شد.

1. listwise
2. series mean

شاخص‌های توصیفی دل‌بستگی به خدا، پایگاه هویت من و اضطراب در پسران و دختران

متغیر	خرده مقیاس	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری
اضطراب	آشکار	پسر	۱۷/۹۹۴۷	۵/۹۸۵۴۳	۰/۸۲۲	۰/۴۱۱
		دختر	۱۸/۴۷۷۸	۵/۳۰۶۷۴		
	پنهان	پسر	۱۸/۴۸۹۵	۵/۳۰۹۲۱	-۰/۱۳۰	۰/۸۹۷
		دختر	۱۸/۴۲۲۲	۴/۶۴۱۲۷		
هویت	تحقق یافته	پسر	۴۴/۵۸۷۳	۱۰/۸۶۷۱۴	۱/۰۱۵	۰/۳۱۱
		دختر	۴۵/۷۳۳۳	۱۰/۸۱۵۱۶		
	بحران زده	پسر	۵۲/۵۳۱۶	۱۱/۲۱۷۷۴	۱/۷۳۹	۰/۰۸۳
		دختر	۵۴/۵۰۰۰	۱۰/۵۲۱۳۳		
	دنباله‌رو	پسر	۶۲/۵۰۵۳	۱۳/۲۰۷۶۴	-۰/۹۷۶	۰/۳۳۰
		دختر	۶۱/۱۲۲۲	۱۴/۰۴۸۴۶		
دل‌بستگی به خدا	سردرگم	پسر	۶۱/۴۷۸۹	۱۲/۷۴۱۰	۰/۲۴۹	۰/۸۰۴
		دختر	۶۱/۸۰۵۶	۱۲/۴۸۳۳۳		
	ایمن	پسر	۱۸۵/۸۰۵۳	۳۴/۸۱۱۳۴	۲/۷۴۸	۰/۰۰۶
		دختر	۱۹۵/۰۴۴۴	۲۹/۷۷۶۴۱		
	اضطرابی	پسر	۵۷/۰۳۱۷	۵/۹۵۹۰۰	۳/۰۲۳	۰/۰۰۳
		دختر	۵۸/۷۶۱۱	۵/۰۰۷۶۶		
	اجتنابی	پسر	۶۲/۶۰۰۰	۱۲/۶۴۳۱۷	-۳/۶۰۲	<۰/۰۰۱
		دختر	۵۸/۳۱۱۱	۱۰/۱۸۴۴۹		

جدول ۱ اطلاعات توصیفی مرتبط با دل‌بستگی به خدا، پایگاه هویت من و اضطراب آشکار و پنهان و نتایج آزمون t مرتبط با مقایسه دو جنس در متغیرهای فوق را نشان می‌دهد. با توجه به این جدول هرچند میانگین نمرات اضطراب آشکار در دختران بالاتر و میانگین نمرات اضطراب پنهان در پسران بالاتر است، تفاوت معناداری بین این دو گروه وجود ندارد. همچنین میانگین نمرات دو جنس در پایگاه‌های هویت من نیز تفاوت معناداری را نشان نداد. نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که بین پسران و دختران در دل‌بستگی به خدا تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۲

همبستگی دل‌بستگی به خدا، پایگاه هویت من و اضطراب آشکار و پنهان در پسران

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
آشکار	۱								
پنهان	۰/۵۹۳**	۱							
تحقق یافته	۰/۲۴۵**	۰/۱۶۹*	۱						
بحران زده	-۰/۳۵۳**	-۰/۳۴۵**	۰/۲۶۳**	۱					
دنباله‌رو	-۰/۰۹۲	-۰/۰۷۴	۰/۱۷۴*	۰/۳۸۱**	۱				
سردرگم	-۰/۳۷۶**	-۰/۳۲۲**	-۰/۰۹۸	۰/۴۹۴**	۰/۴۷۱**	۱			
ایمن	-۰/۳۰۳**	-۰/۲۳۵**	-۰/۲۶۶**	۰/۰۵۹	-۰/۰۰۷	۰/۳۴۳**	۱		
اضطرابی	-۰/۲۳۶**	-۰/۱۹۴**	-۰/۰۵۷	۰/۰۸۱	۰/۰۰۴	۰/۲۱۸**	۰/۶۳۰**	۱	
اجتنابی	۰/۲۴۸**	۰/۱۷۳*	۰/۱۹۳**	-۰/۰۶۰	-۰/۰۰۴	-۰/۳۲۳**	-۰/۸۸۵**	-۰/۸۳۶**	۱

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

در جدول ۲، همبستگی سه متغیر دل‌بستگی به خدا، پایگاه هویت من و اضطراب آشکار و پنهان در پسران نشان داده شده است. این جدول رابطه مثبت معنادار پایگاه هویت تحقق یافته و رابطه منفی معنادار پایگاه بحران زده و سردرگم با اضطراب آشکار و پنهان را نشان می‌دهد. همچنین نشان می‌دهد که پایگاه هویت دنباله‌رو با اضطراب رابطه معنادار ندارد. همچنین با توجه به این جدول دریافت می‌شود که دل‌بستگی ایمن و اضطرابی به خدا با اضطراب رابطه منفی معنادار و دل‌بستگی اجتنابی، رابطه مثبت معنادار دارد.

جدول ۳

همبستگی دل‌بستگی به خدا، پایگاه هویت من و اضطراب آشکار و پنهان در دختران

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
آشکار	۱								
پنهان	۰/۵۰۸**	۱							
تحقق یافته	۰/۰۳۸	۰/۰۷۸	۱						
بحران زده	-۰/۱۶۵*	-۰/۲۷۲**	۰/۳۹۹**	۱					
دنباله‌رو	-۰/۱۶۲*	-۰/۱۱۳	۰/۲۰۲**	۰/۵۱۳**	۱				
سردرگم	-۰/۱۴۸*	-۰/۳۰۵**	-۰/۰۵۴	۰/۶۰۵**	۰/۵۰۷**	۱			
ایمن	-۰/۱۳۳	-۰/۱۸۸*	-۰/۱۲۱	۰/۱۲۰	۰/۲۰۹**	۰/۳۰۰**	۱		
اضطرابی	-۰/۰۳۹	-۰/۰۶۷	-۰/۱۳۰	۰/۰۸۹	۰/۱۱۷	۰/۲۱۵**	۰/۵۷۱**	۱	
اجتنابی	۰/۰۷۲	۰/۱۵۷*	۰/۱۱۵	-۰/۱۴۲	-۰/۱۹۷**	-۰/۳۱۱**	-۰/۹۲۷**	-۰/۷۷۶**	۱

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

در جدول ۳، همبستگی سه متغیر دل‌بستگی به خدا، پایگاه هویت من و اضطراب آشکار و پنهان در دختران ارائه شده است. داده‌های این جدول نشان می‌دهد که هویت بحران‌زده و سردرگم در دختران با اضطراب آشکار و پنهان رابطه منفی معنادار دارد، ولی هویت تحقق‌یافته با اضطراب آشکار و پنهان رابطه معنادار ندارد و هویت دنباله‌رو با اضطراب آشکار رابطه منفی معنادار دارد، ولی با اضطراب پنهان رابطه ندارد. همچنین این جدول نشان می‌دهد که دل‌بستگی ایمن با اضطراب پنهان رابطه منفی معنادار و دل‌بستگی اجتنابی با اضطراب پنهان رابطه مثبت معنادار دارد. ارتباط هویت تحقق‌یافته و اضطراب آشکار و پنهان در پسران معنادار است، ولی در دختران معنادار نیست. این نتیجه نشان می‌دهد که احتمالاً هویت و تعهد در پسران بیش از دختران بر اضطراب اثر دارد و اضطراب در دختران با عوامل دیگر ارتباط عمیق‌تری دارد. این مطلب در ارتباط اضطراب آشکار با دل‌بستگی به خدا نیز قابل مشاهده است.

جدول ۴

خلاصه نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی اضطراب از روی جنسیت و پایگاه هویت من

مؤلفه‌های اضطراب	مراحل	متغیرها	B	Beta	Sig	F	Sig	R	R ²
آشکار	اول	جنسیت	-۰/۴۹۹	-۰/۰۴۴	۰/۳۹۹	۰/۷۱۴	۰/۳۹۹	۰/۰۴۴	۰/۰۰۲
		جنسیت	-۰/۷۲۱	-۰/۰۶۴	۰/۱۹۲	۲۹/۴۲۶	۰/۳۷۵	۰/۱۴۱	
	دوم	هویت تحقق‌یافته	۰/۱۴۰	۰/۲۶۹	<۰/۰۰۱				
		هویت بحران‌زده	-۰/۱۸۸	-۰/۳۶۲	<۰/۰۰۱				
	سوم	جنسیت	۰/۱۵۴	۰/۰۱۴	۰/۹۶۱	۴/۹۲۹	۰/۰۰۸	۰/۴۰۴	۰/۱۶۳
		هویت تحقق‌یافته	۰/۰۶۱	۰/۱۱۶	۰/۱۲۳				
		هویت بحران‌زده	-۰/۱۰۸	-۰/۲۰۸	۰/۰۰۸				
		اثر متقابل جنسیت، هویت تحقق‌یافته	۰/۱۴۰	۰/۵۸۵	۰/۰۰۹				
		اثر متقابل جنسیت، هویت بحران‌زده	-۰/۱۳۵	-۰/۶۵۲	۰/۰۱۲				



۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۹۰۹	۰/۰۱۳	۰/۹۰۹	۰/۰۰۶	۰/۰۵۹	جنسیت	اول	پنهان
۰/۱۵۸	۰/۳۹۸	۰/۰۰۰	۳۴/۳۱۲	۰/۷۱۱	-۰/۰۱۸	-۰/۱۷۹	جنسیت	دوم	
				<۰/۰۰۱	۰/۲۵۸	۰/۱۱۹	هویت تحقق یافته		
				<۰/۰۰۱	-۰/۴۰۰	-۰/۱۸۳	هویت بحران زده		
۰/۱۶۱	۰/۴۰۱	۰/۵۶۱	۰/۵۸۰	۰/۹۶۰	۰/۰۱۴	۰/۱۳۸	جنسیت	سوم	
				۰/۰۰۷	۰/۲۰۶	۰/۰۹۵	هویت تحقق یافته		
				<۰/۰۰۱	-۰/۳۴۷	-۰/۱۵۹	هویت بحران زده		
				۰/۳۷۵	۰/۱۹۹	۰/۰۴۲	اثر متقابل جنسیت. هویت تحقق یافته		
				۰/۳۸۴	-۰/۲۲۷	-۰/۰۴۱	اثر متقابل جنسیت. هویت بحران زده		

برای بررسی واریانس تبیین شده اضطراب آشکار و پنهان از طریق متغیرهای جنسیت و پایگاه‌های هویت من، تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی به کار برده شد. از این رو در گام اول، متغیر جنسیت در گام دوم، پایگاه‌های هویت من و در گام سوم، اثر متقابل آن دو وارد تحلیل شد. نتایج نشان داد که تنها هویت تحقق یافته و بحران زده به طور معناداری اضطراب آشکار و پنهان را پیش بینی می‌کنند. از این رو، در مرحله دوم، این دو خرده مقیاس هویت وارد رگرسیون سلسله مراتبی شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

نتایج نشان می‌دهد که جنسیت به تنهایی پیش‌بینی‌کننده معنادار اضطراب نیست. پایگاه هویت تحقق یافته و بحران زده با بتای معنادار نشان می‌دهد که می‌توانند اضطراب آشکار و پنهان را پیش‌بینی نمایند. با ورود اثر متقابل جنسیت و پایگاه هویت به معادله رگرسیون، مشاهده می‌شود که در پیش‌بینی اضطراب پنهان تغییری ایجاد نشده است و پایگاه هویت پیش‌بینی‌کننده معنادار اضطراب پنهان است، ولی برای پیش‌بینی اضطراب آشکار، بتای هویت تحقق یافته کاهش یافته و از معناداری خارج می‌شود. اثر متقابل جنسیت و این دو پایگاه هویت معنادار بوده و نشان می‌دهد که جنسیت و پایگاه هویت با هم می‌توانند پیش‌بینی‌کننده معنادار اضطراب آشکار باشند. در اضطراب آشکار، مشاهده می‌شود که در گام سوم، بتا در هویت تحقق یافته کاهش پیدا کرده است و بتا در اثر متقابل جنسیت و هویت تحقق یافته، معنادار است. این یافته یعنی، هویت تحقق یافته در پسران و دختران به طور متفاوت با اضطراب ارتباط دارد که این مطلب با بررسی همبستگی این دو متغیر در گروه تأیید می‌شود.

خلاصه نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی اضطراب از روی جنسیت و دلبستگی به خدا

مؤلفه‌های اضطراب	مراحل	متغیرها	B	Beta	Sig	F	Sig	R	R ²
آشکار	اول	جنسیت	-۰/۴۵۷	-۰/۰۴۰	۰/۴۴۰	۰/۵۹۹	۰/۴۴۰	۰/۰۴۰	۰/۰۰۲
		جنسیت	-۰/۷۱۴	-۰/۰۶۳	۹/۴۳۰	۰/۲۲۰	۰/۲۲۱	۰/۰۷۴	
	دوم	دلبستگی ایمن	-۰/۱۱۲	-۰/۰۶۴۷	۰/۰۰۰				
		دلبستگی اضطرابی	-۰/۲۸۱	-۰/۲۷۷	۰/۰۱۵				
		دلبستگی اجتنابی	-۰/۳۱۲	-۰/۰۶۳۵	۰/۰۰۷				
	سوم	اول	جنسیت	-۵/۸۰۷	-۰/۵۱۳	۱/۴۸۸	۰/۸۷۳	۰/۲۹۱	۰/۰۸۵
			دلبستگی ایمن	-۰/۱۲۷	-۰/۰۷۳۵	۰/۰۰۷			
		دوم	دلبستگی اضطرابی	-۰/۲۳۷	-۰/۰۲۳۴	۰/۱۵۳			
			دلبستگی اجتنابی	-۰/۳۹۷	-۰/۰۸۰۸	۰/۰۲۷			
			اثر متقابل جنسیت دلبستگی ایمن	۰/۰۱۸	۰/۳۱۴	۰/۷۶۰			
			اثر متقابل جنسیت دلبستگی اضطرابی	-۰/۰۹۱	-۰/۰۴۶۳	۰/۶۹۳			
	سوم	اثر متقابل جنسیت دلبستگی اجتنابی	۰/۱۱۴	۰/۰۶۵۵	۰/۶۲۶				
جنسیت		۰/۱۲۳	۰/۰۱۲	۰/۸۱۳	۰/۰۵۶	۰/۰۱۲	<۰/۰۰۱		
پنهان	اول	جنسیت	-۰/۱۴۷	-۰/۰۱۵	۶/۱۹۲	۰/۷۷۵	۰/۲۲۱	۰/۰۴۹	
		دلبستگی ایمن	-۰/۰۵۷	-۰/۰۳۷۵	۰/۰۳۰				
	دوم	دلبستگی اضطرابی	-۰/۱۰۹	-۰/۱۲۲	۰/۲۸۸				
		دلبستگی اجتنابی	-۰/۱۱۰	-۰/۰۲۵۵	۰/۲۸۲				
		جنسیت	۳۴/۹۰۳	۳/۵۱۸	۰/۲۸۰	۰/۷۹۸	۰/۲۳۴	۰/۰۵۵	
	سوم	اول	دلبستگی ایمن	-۰/۰۳۹	-۰/۰۲۵۵	۰/۳۵۷			
			دلبستگی اضطرابی	۰/۰۴۲	۰/۰۴۸	۰/۷۷۴			
		دوم	دلبستگی اجتنابی	-۰/۰۱۷	-۰/۰۳۹	۰/۹۱۷			
			اثر متقابل جنسیت دلبستگی ایمن	-۰/۰۳۶	-۰/۰۶۸۹	۰/۵۰۹			
			اثر متقابل جنسیت دلبستگی اضطرابی	-۰/۲۹۴	-۱/۷۰۶	۰/۱۵۳			
			اثر متقابل جنسیت دلبستگی اجتنابی	-۰/۱۸۷	-۱/۲۲۱	۰/۳۷۱			

رابطه جنسیت و اضطراب آشکار و پنهان: نقش دلبستگی به خدا و پادگاه هویت من

برای پیش بینی اضطراب آشکار و پنهان از طریق متغیرهای جنسیت و دلبستگی به

خدا نیز از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. از این رو، در گام اول متغیر جنسیت، در گام دوم دل‌بستگی به خدا و در گام سوم اثر متقابل آن دو وارد تحلیل شد که نتایج آن در جدول ۵ آمده است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که جنسیت به تنهایی نمی‌تواند اضطراب را پیش‌بینی کند. دل‌بستگی به خدا حدود ۷/۴ درصد واریانس اضطراب آشکار و ۴/۹ درصد اضطراب پنهان را تبیین می‌کند و در گام سوم میزان ضریب تعیین، مقدار اندکی افزایش می‌یابد. در اضطراب آشکار، هر سه نوع دل‌بستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی، بتای معنادار دارند، در حالی که در اضطراب پنهان، فقط دل‌بستگی ایمن، بتای معنادار دارد. هیچ یک از اثرهای متقابل معنادار نبود.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر در بررسی نقش پایگاه هویت من و دل‌بستگی به خدا در رابطه بین جنسیت و اضطراب آشکار و پنهان نشان داد که تفاوت معناداری بین زنان و مردان در اضطراب وجود ندارد و جنسیت، پیش‌بینی‌کننده معناداری برای اضطراب نیست. پژوهش‌هایی که تاکنون در حوزه اضطراب و جنسیت صورت گرفته است، نتایج متناقضی را نشان داده‌اند؛ برخی تفاوت بین زنان و مردان و برخی عدم تفاوت را اثبات کرده‌اند. برای مثال، پیکل (۱۹۹۱)، به نقل از شرر، و لارنس (۲۰۰۰)، سلاترو و کوی (۱۹۷۱)، به نقل از شرر، و لارنس (۲۰۰۰)، تامرس (۲۰۰۲)، تیلور و آسموندسون (۲۰۰۴)، گینسبرگ (۲۰۰۴)، فینگلد (۱۹۹۴)، منصورنژاد و کجباف (۱۳۹۱)، این تفاوت را بر اساس جنسیت و ویژگی‌های زنانه و مردانه تبیین کرده‌اند.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که اگر اضطراب به جنسیت نسبت داده شود، انتظار می‌رود که بتوان اضطراب را بر اساس جنسیت پیش‌بینی کرد. حال آنکه ادبیات پژوهشی و یافته پژوهش حاضر خلاف آن را نشان می‌دهد. ولی اگر اضطراب به ویژگی‌های روانی-اجتماعی نسبت داده شود، باید در پژوهش‌های متعدد سهم هر متغیر در کنار متغیر جنسیت روشن شود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که جنسیت اثر مستقیم بر اضطراب ندارد و حداکثر می‌تواند ۲۰٪ درصد واریانس اضطراب آشکار را تبیین نماید و تبیین اضطراب پنهان توسط این متغیر در حد صفر است و متغیر جنسیت، بتای معناداری

ندارد، ولی پایگاه هویت من و دل‌بستگی به خدا می‌توانند بخشی از واریانس اضطراب را تبیین نموده و نقش این دو متغیر در پیش‌بینی اضطراب مهم‌تر از جنسیت است. پژوهش حاضر بیان می‌کند که حدود ۱۶/۳٪ از واریانس اضطراب توسط هویت تحقق‌یافته و بحران زده تبیین می‌شود.

با توجه به سهم بیشتر هویت در پیش‌بینی اضطراب، انتظار می‌رود اگر گروهی تفاوت معناداری در هویت نداشتند، در اضطراب نیز تفاوت معناداری نشان ندهند. این نکته در پژوهش حاضر قابل مشاهده است که دو گروه پسران و دختران در پایگاه‌های هویت تفاوت معناداری ندارند و در اضطراب نیز تفاوت معناداری نشان نمی‌دهند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که هویت فرد، صرف‌نظر از زن یا مرد بودن، نقش تعیین‌کننده‌ای در اضطراب دارد. یافته این پژوهش از نظر معناداری رابطه هویت با سلامت روان و اضطراب، با یافته‌های برزونسکی و کوک (۲۰۰۵)، پاسمور و همکاران (۲۰۰۵)، اسکوارت (۲۰۰۷)، اسمخانی اکبری نژاد (۱۳۸۸)، آقامحمدیان و شیخ‌روحانی (۱۳۸۸)، شمس‌اسفندآباد، کاکاوند و ترابی (۱۳۹۰)، رحیمی نژاد، برجعلی‌لو، یزدانی، فراهانی و امانی (۱۳۹۱) و حکمی، ثابت و صیرفی (۱۳۹۱) همسو است و از نظر پیش‌بینی‌کنندگی بهتر هویت نسبت به جنسیت، با یافته بهاری و فرکیش (۱۳۸۸) هماهنگ است.

یافته این پژوهش را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که هویت بنا به نظر لوکس، گوسنس و سوانس (۲۰۰۶) یک چارچوب مرجع است که در محدوده آن رفتار و بازخورد فرد ارزیابی و تنظیم می‌شود. هویت، ترکیبی از باورها، ارزش‌ها، نقش‌ها، رفتارها و مهارت‌های مختلف شناختی، اخلاقی و عملی فرد است که در دوران بزرگسالی به صورت منسجم و ترکیب‌یافته موجب می‌شود فرد هم احساس پیوستگی نسبت به گذشته خود داشته باشد و هم جهت‌گیری خود را نسبت به آینده ترسیم نماید. در این صورت، فرد به دلیل داشتن معنای منسجم و یکپارچه در زندگی، قدرت مقابله و تاب‌آوری بالاتری پیدا خواهد کرد. بنابراین، آنچه مهم است رشدیافتگی فرد در فرایند هویت‌یابی است؛ چراکه افراد هر دو جنس با هویت منسجم، به واسطه ارزش‌های فردی، اهداف و برنامه‌های شخصی برای رسیدن به اهداف، از سطح انگیزه و سلامت بالاتری برخوردارند. چنان‌که اریکسون (۱۹۶۵) به

ارتباط هویت و سلامت روان اشاره نموده و می‌گوید که اگر هویت افراد جوان به طور صحیح شکل بگیرد و فرد خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد، تعادل روانی او تضمین می‌شود. ساختار هویت شکل‌گرفته و یکپارچه، حس هدفمندی و جهت داشتن به فرد می‌دهد که در نهایت به وی در تصمیم‌گیری، حل مسئله، مقابله مؤثر با الزامات زندگی روزمره و سازگار شدن با محیط‌های جدید کمک می‌کند (برزونسکی، وکوک، ۲۰۰۵). همانطور که پژوهش‌ها نشان می‌دهند، هویت موفق با سلامت روان رابطه دارد و یک حس پایدار از هویت به صورت مثبت، بهزیستی روانی را تسهیل می‌کند و در مقابله با اضطراب، افسردگی و حل مشکلات رفتاری نقش حمایتی دارد (پاسمور، و همکاران، ۲۰۰۵؛ اسکورت، ۲۰۰۷).

یافته دیگر این پژوهش این است که در اضطراب آشکار، پایگاه هویت و اثر متقابل هویت و جنسیت معنادار است، ولی در اضطراب پنهان، فقط اثر پایگاه هویت معنادار است و اثر متقابل آنها معنادار نیست. در تبیین این یافته می‌توان به تفاوت اضطراب آشکار و پنهان اشاره کرد. اضطراب آشکار و پنهان در برخی زمینه‌ها به مثابه انرژی جنبشی و پتانسیل با هم قابل مقایسه هستند؛ اضطراب آشکار همانند انرژی جنبشی، به یک عکس‌العمل یا فرایند ملموس اشاره دارد که در زمانی معین و در سطحی معین از شدت واقع است. اضطراب پنهان، همانند انرژی پتانسیل، به تفاوت‌های فردی در عکس‌العمل‌ها اشاره می‌کند. اضطراب آشکار می‌تواند مقطعی از زندگی یک شخص باشد یا به عبارتی، بروز آن اختصاص به موقعیت‌های تنش‌زا دارد، اما اضطراب پنهان به تفاوت‌های فردی در پاسخ به موقعیت‌های پراسترس با میزان‌های مختلف اضطراب آشکار دلالت دارد (دادستان، و منصور، ۱۳۸۴، به نقل از یعقوبی، ۱۳۹۱).

اثر متقابل جنسیت و هویت در اضطراب آشکار دیده می‌شود؛ زیرا جامعه و فرهنگ بروز اضطراب برای زنان را تسهیل می‌کند و در مقابل کلیشه‌های سنتی نقش جنسی مردانه ممکن است نشان دادن ضعف به طور آشکار را برای مردان دشوار کند. این تفاوت بر اساس پایگاه هویتی که این دو جنس در آن قرار دارند، مضاعف و تفاوت جنسیتی آشکار می‌شود. در پسران بر خلاف دختران، ارتباط هویت تحقق‌یافته و اضطراب آشکار و پنهان معنادار است. این نتیجه نشان می‌دهد که هویت و تعهد در پسران بیش از دختران بر اضطراب اثر

دارد و اضطراب در دختران با عوامل دیگری ارتباط عمیق تری دارد. این مطلب در ارتباط اضطراب آشکار با دلبستگی به خدا نیز قابل مشاهده است. نکته قابل توجه آن است که اگرچه بنا بر نظراریکسون (۱۹۶۸) تحول هویت در زنان و مردان متفاوت است، آرچر (۱۹۹۲)، به نقل از آقاجانی، (۱۳۸۷) بعد از مرور یافته‌های پژوهش‌های موجود، به نتیجه رسید که با وجود اینکه شکل‌گیری هویت، به علت وجود موانع بیرونی رشد برای زنان می‌تواند دشوارتر باشد، در حال حاضر تفاوت‌های جنسیتی در هویت، استثنا هستند تا قاعده. این پژوهش با یافته هاشمی (۱۳۹۳) هماهنگ است و نشان می‌دهد که دختران و پسران تفاوتی در هویت فردی ندارند. بنابراین، اگر فرایند هویت‌یابی تسهیل شود، می‌توان پیش‌بینی کرد که تفاوت زنان و مردان در اضطراب از بین می‌رود.

متغیر دیگری که در این پژوهش در مقایسه با جنسیت، سهم بیشتری در تبیین اضطراب داشت، دلبستگی به خدا بود. دلبستگی به خدا حدود ۸/۵٪ اضطراب آشکار، و ۵٪ اضطراب پنهان را تبیین می‌کند. در اضطراب آشکار، اثر هر سه نوع دلبستگی معنادار است، ولی در اضطراب پنهان فقط اثر دلبستگی ایمن معنادار است. اثر متقابل جنسیت و دلبستگی به خدا بر اضطراب آشکار و پنهان معنادار نیست. از این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که جنسیت نه به تنهایی و نه در تعامل با دلبستگی به خدا نمی‌تواند پیش‌بینی‌کننده معناداری برای اضطراب باشد. یافته‌های فوتولاکیس، سیامولی، ماگیرا و کارپینس^۱ (۲۰۰۸)، کرک پاتریک و شیور (۱۹۹۶)، سیم و لوح (۲۰۰۳)، بک و مکدونالد (۲۰۰۴)، روات و کرکپاتریک (۲۰۰۲) به نقل از غباری بناب و حدادی (۱۳۹۰)، میکولنسر، شاور و هارش (۲۰۰۷) و بلاویچ و پارگامنت (۲۰۰۲) رابطه منفی معنادار دلبستگی ایمن به خدا با اضطراب را تأیید می‌کنند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که دلبستگی به خدا، ارتباط و گرایش فرد به خداوند است که در این تعلق خاطر، خداوند پایگاهی امن شناخته می‌شود که در همه شرایط می‌توان او را جستجو کرد. چنانکه پارگامنت (۱۹۹۷)، به نقل از شهابی‌زاده، (۱۳۹۴) بیان می‌کند که مقابله مذهبی در موقعیت‌های استرس‌زا، دسترس‌پذیری قریب‌الوقوع مذهب در سیستم توجیهی افراد است. دین و به ویژه رابطه درک‌شده انسان با خدا یک پناهگاه مطمئن است و افراد در زمان بروز بحران،

1. Fountoulakis, K. N., Siamouli, M., Magiria. S., & Kaprinis, G.

خدا را پناهگاهی مطمئن و همچنین پایگاهی امن برای جستجوگری در محیط می‌دانند. بنابراین، می‌توان پیش‌بینی کرد که فرد صرف‌نظر از زن یا مرد بودن، با دل‌بستگی ایمن به خدا می‌تواند بر اضطراب کنترل بیشتری داشته باشد؛ چراکه طبیعت انسان به گونه‌ای است که با روابط دل‌بستگی انسانی و دل‌بستگی ایمن به خدا از شاخص‌های سلامتی و بهزیستی (مثل خوش‌بینی و رضایت از زندگی بالاتر) برخوردار بوده و با کاهش اضطراب و افسردگی و نشانگان بیماری‌های جسمانی همراه است.

یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که اگر در پژوهشی بین مردان و زنان تفاوتی در اضطراب مشاهده شد، علت این تفاوت را در متغیرهای دیگری غیر از جنسیت می‌توان جستجو کرد. این پژوهش، نقش دو متغیر پایگاه هویت من و دل‌بستگی به خدا را مشخص کرد و در پژوهش‌های چندمتغیری دیگر باید نقش و سهم سایر متغیرها روشن شود.

فهرست منابع

۱. اختری، طاهره (۱۳۸۹). رابطه اضطراب یادگیری زبان عربی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران بر حسب جنسیت و رشته تحصیلی. *نشریه دانش و رفتار*، ۳(۲۰)، ۳۱۳-۳۲۴.
۲. اسمخانی اکبری نژاد، هادی، اعتمادی، احمد، و نصیرنژاد، فریبا (۱۳۹۳). اثربخشی واقعیت‌درمانی به شیوه گروهی بر اضطراب زنان. *مطالعات روان‌شناختی*، ۲(۱۰)، ۷۳-۸۷.
۳. اسمخانی اکبری نژاد، هادی، نصیرنژاد، فریبا، و اعتمادی، احمد (۱۳۸۸). بررسی رابطه حمایت اجتماعی والدین و سبک‌های فرزندپروری با هویت و سلامت روانی فرزندان. *نشریه زن و مطالعات خانواده*، ۶(۲)، ۹-۲۷.
۴. آقاجانی، محمدحسن، فرزند، ولی‌الله، و شهرآرای، مه‌ناز (۱۳۸۷). مقایسه سبک‌های هویت دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بر اساس جنسیت، رشته تحصیلی و بومی و غیربومی بودن. *نشریه دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، ۳۸، ۱۳۵-۱۴۴.
۵. آقامحمدیان‌شعرباف، حمیدرضا، و شیخ‌روحانی، سعید (۱۳۸۸). مقایسه میزان اضطراب در پایگاه‌های هویت. *نشریه دانش و رفتار*، ۳۷(۱۶)، ۹-۲۰.
۶. بزرگ‌بفرویی، مرتضی، جان‌بزرگی، مسعود، و نیوشا، بهشته (۱۳۹۱). نقش پایبندی مذهبی و جنسیت در اضطراب امتحان. *نشریه مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۰(۶)، ۴۳-۶۱.
۷. بهاری، سیف‌الله، فرکیش، چه‌گور (۱۳۸۸). رابطه بین هویت فردی، سبک‌های دل‌بستگی با بهزیستی روان‌شناختی در جوانان. *نشریه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، ۲(۴)، ۴۹-۶۳.
۸. بیرامی، منصور (۱۳۸۹). مقایسه سبک‌های هویت، انواع هویت در دانشجویان دختر و پسر. *نشریه روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ۲۰(۵)، ۲۸-۴۶.
۹. پرون، بوری، و پرون، میشل (۱۳۸۴). *روان‌شناسی بالینی*. مترجم: دادستان، پریخ، و منصور، محمود. تهران: بعثت.
۱۰. ترابی، سیدسعید، محمدی‌فر، محمدعلی، خسروی، معصومه، شایان، نسرم، و محمدجانی، هیوا (۱۳۹۱). بررسی نقش اضطراب ریاضی بر عملکرد در درس ریاضی و نقش جنسیت. *نشریه فناوری آموزش*، ۳(۷)، ۲۰۰-۲۰۴.
۱۱. جعفری، هاله، بقایی، مرگان، کاظم‌نژادلیلی، احسان، و صدقی‌ثابت، میترا (۱۳۹۳). بررسی سطح اضطراب بیماران تحت مداخلات الکتروفیزیولوژی و عوامل مرتبط با آن. *نشریه بالینی پرستاری و مامایی*، ۱(۳)، ۴۷-۵۳.
۱۲. حکمی، محمد، ثابت، مهرداد، صیرفی، محمدرضا (۱۳۹۱). تبیین رابطه مؤلفه‌های هویت با سلامت روانی

- دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی کرج. نشریه یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۲۵(۸)، ۱۷-۲۶.
۱۳. حیدری، اسفندیار،، خلیلی شرفه، فاطمه، و خداپناهی، محمدکریم (۱۳۸۸). رابطه مذهب با اضطراب مرگ و هیجان خواهی. نشریه روان‌شناسی، ۳(۱۳)، ۳۲۵-۳۴۱.
۱۴. خزایی، حبیب‌الله، رضایی، منصور، قدمی، محمدرسول، و طهماسیان، مسعود (۱۳۸۸). رابطه بین سطوح ارزش‌های مذهبی و میزان اضطراب در دانشجویان. نشریه بهبود، ۱(۱۴)، ۶۶-۷۲.
۱۵. دانش‌ورپیور، زهره، تاجیک اسماعیلی، عزیزالله، شهرآرای، مهرناز، فرزاد، ولی‌الله، و شکری، امید (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسی در صمیمیت اجتماعی: نقش سبک‌های هویت. نشریه روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۴(۱۳)، ۳۹۳-۴۰۴.
۱۶. داودی، ایران، نرگسی، فریده، و مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز (۱۳۹۱). تفاوت‌های جنسیتی در اضطراب سلامت و باورهای ناکارآمد مرتبط با آن: با کنترل متغیر سن. روان‌شناسی سلامت، ۳(۱۱)، ۳۰-۳۸.
۱۷. رحیمی، مهرک، و بدالهی، سمانه (۱۳۹۰). رابطه اضطراب رایانه دانش‌آموزان دوره متوسطه با رشته تحصیلی، جنسیت و پیشرفت درسی زبان انگلیسی. نشریه نوآوری‌های آموزشی، ۳۹(۱۰)، ۵۱-۷۳.
۱۸. رحیمی‌نژاد، عباس، برجعی‌لو، سمیه، یزدانی‌ورزنه، محمدجواد، فراهانی، حجت‌اله، و امانی، حبیب (۱۳۹۱). اثر سبک‌های هویت بر افسردگی، اضطراب، و استرس دانشجویان: نقش واسطه‌ای تعهد هویت. نشریه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۲(۹)، ۱-۱۶.
۱۹. رضایی، امیرموسی، ناجی اصفهانی، همایون، مومنی قلعه قاسمی، طاهره، و امین‌الرعایا، مهین (۱۳۹۱). بررسی ارتباط جهت‌گیری مذهبی با اضطراب و افسردگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. نشریه تحقیقات علوم رفتاری، ۶(۱۰)، ۵۰۹-۵۱۹.
۲۰. سرآبادانی تفرشی، لیلا، بلوردی، اکبر، و قیاسی، محمد (۱۳۹۰). بررسی رابطه اضطراب رایانه‌ای با انگیزه پیشرفت تحصیلی، عزت نفس و جنسیت دانشجویان جانباز و ایثارگر شهر تهران. نشریه طب جانباز، ۱۳(۴)، ۱۶-۲۳.
۲۱. سرمد، زهره، بازگان، عباس، و حجازی، الهه (۱۳۹۴). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه.
۲۲. شعبیری، محمدرضا، ملامیرزایی، محمدعلی، پروری، مریم، شه‌مرادی، فاطمه، و هاشمی، اختر (۱۳۸۳). مطالعه اضطراب امتحان و پیشرفت تحصیلی با توجه به جنسیت و رشته تحصیلی در دانش‌آموزان. نشریه دانش و رفتار، ۶(۱۱)، ۵۵-۶۲.
۲۳. شکرکن، حسین، امیدیان، مرتضی، نجاریان، بهمن، و حقیقی، جمال (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه انواع هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید چمران اهواز. نشریه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱(۸)، ۷۳-۹۸.
۲۴. شمس اسفندآباد، حسن، کاکاوند، علیرضا، و ترابی، زهرا (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های دلبستگی و هویت با سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهر قزوین. اندیشه‌های نوین تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء، ۲(۷)، ۱۰۷-۱۲۸.
۲۵. شاهپای‌زاده، فاطمه (۱۳۹۴). مدل علی راهبردهای مقابله مذهبی، نقش کارکرد خانواده و دلبستگی به خدا. مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء، ۲(۱۱)، ۱۳۶-۱۶۵.
۲۶. شیخ، مهدی، احمدی، خدابخش، غباری‌بناب، باقر، و احمدی‌زاده، محمدجواد (۱۳۹۱). نقش دلبستگی به خدا در سخت‌رویی و عزت نفس اجتماعی کارکنان نظامی. نشریه پرستار و پزشک در زم، ۳(۴)، ۱۴۶-۱۵۲.
۲۷. عسگریان مقدم زنجانی، هما، باقری، فریبرز، جزایری، سیدمجتبی، ترکمان، محمد، و امیری، حمید (۱۳۹۲). مقایسه هوش هیجانی و سبک‌های هویت در زنان مبتلا به اختلال افسردگی اساسی و زنان عادی. نشریه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۲(۱۴)، ۱۰۹-۱۱۹.
۲۸. علیانی، زهرا، سامانی، سیامک، و فانی، حجت‌الله (۱۳۹۰). بررسی روایی و پایایی مقیاس دلبستگی به خدا. نشریه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۲(۳)، ۶۵-۸۱.
۲۹. غباری‌بناب، باقر، و حدادی کوهسار، علی‌اکبر (۱۳۹۰). دلبستگی به خدا در یافت فرهنگ اسلامی: پایه‌های نظری، ساخت و رواسازی ابزار اندازه‌گیری. نشریه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۱(۴)، ۸۱-۱۰۶.
۳۰. فتحی آشتیانی، علی، محمدی، بهاره، و فتحی آشتیانی، مینا (۱۳۹۵). آزمون‌های روان‌شناختی. تهران: انتشارات بعثت.
۳۱. مصطفی‌زاده، عباس، جهان‌سیر، خسرو، و اشرفی، سیامک (۱۳۸۸). مقایسه میزان اضطراب امتحان در دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب. نشریه علوم تربیتی، ۷(۲)، ۲۰۳-۲۲۰.

۳۲. منصورنژاد، زهرا، و کجیاف، محمدباقر (۱۳۹۱). رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و جنسیت، با اضطراب مرگ در میان دانشجویان. *نشریه پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۱(۲)، ۵۵-۶۴.
۳۳. میکائیلی منیع، فرزانه (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های هویت، تعهد هویت و جنسیت با سازگاری دانشجویان با دانشگاه. *مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء*، ۲(۶)، ۵۱-۷۴.
۳۴. نوروزی بردجی، شهریانو (۱۳۷۷). بررسی میزان اضطراب بین دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شیراز و رابطه آن با سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت اقتصادی و رشته تحصیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
۳۵. هاشمی، سهیلا (۱۳۹۳). بررسی سبک‌های هویت و تعهد دانشجویان براساس الگوی ساخت هویت برزونسکی و رابطه آن با خردمندی در فرآیند حل مسئله. *مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء*، ۱(۱۰)، ۱۱۰-۱۳۶.
۳۶. یعقوبی، حسن، سهرابی، فرامرز، و محمدزاده، علی (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی درمان شناختی- رفتاری و روان‌درمانی معنوی- مذهبی مبتنی بر آموزه‌های اسلام بر کاهش اضطراب آشکار دانشجویان. *نشریه تحقیقات علوم رفتاری*، ۲(۱۰)، ۹۱-۱۰۷.
37. Argyle, M. (2000). *Psychology and religion*. London: Routledge
38. Beck, R., & McDonald, A. (2004). Attachment to God: The attachment to God inventory, tests of working model correspondence, and an exploration of faith group differences. *Journal of Psychology and Theology*, 32, 92-103.
39. Belavich, T. G., & Pargament, K. I. (2002). The role of attachment in predicting spiritual loved one in surgery. *Journal of Adult Development*, 9(1), 13-29.
40. Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2005). Identity Style, Psychological Maturity, and Academic Performance. *Personality and Individual Differences*, 39, 235-247.
41. Bowlby, J. (1964). *Attachment and loss*. New York: Basic Books
42. Fiengold, A. (1994). Gender Differences in Personality a Metanalysis. *Psychological Bulletin*, 16, 429-436.
43. Fountoulakis, K. N., Siamouli, M., Magiria, S. & Kaprinis, G. (2008). Late-Life depression, religiosity, cerebral vascular disease. Cognitive impairment and attitudes towards death in the elderly: Interpreting the data. *Medical hypotheses*, 70, 493-496
44. Gary R. (2015). *APA Dictionary of Psychology*. Published by American Psychological Association.
45. Ginsberg, D. (2004). Women and anxiety disorders. *CNS Spectrums*, 9(9), 1-16.
46. Granqvist, P., Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2010). Religion as attachment: Normative processes and individual differences. *Personality and Social Psychology Review*, 14, 49-59.
47. Kirkpatrick, L. A. (1994). The role of attachment in religious belief and behavior. *Advances in personal relationship*, 5, 239-256.
48. Kirkpatrick, L. A. (1999). *Attachment and religious representation and behavior*. New York: Gillford Press.
49. Kirkpatrick, L. A., & Shaver, P. R. (1996). An attachment theoretical approach to romantic love and religious belief. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18, 266-275.
50. Kroger, J. (1997). *Identity in adolescence. The balance between self and others*. London: Routledge.
51. Luyckx, K., Goossens, L., & Soenens, B. (2006). A developmental contextual perspective on identity construction in emerging adulthood: Change dynamics in commitment formation and commitment evaluation. *Developmental Psychology*, 42, 366-380.

52. Meeus, W. (1993). Occupational Identity Development, School performance and Social Support in Adolescence: Findings of a Dutch Study. *Adolescence*, 28 (112), 809 – 818.
53. Mikulincer, M., Shaver, P. R., & Horesh, N. (2007). Attachment bases of emotional regulation and posttraumatic adjustment. *Journal of Intellectual Disability Research*, 47, 217–230.
54. Montgomery, M. J. (2005). Psychological intimacy and identity: From early adolescence to emerging adulthood. *Journal of Adolescent Research*, 20, 346-374.
55. Passmore, N. L., Fogarty, G. J., Bourke, C. J., & Baker-Evans, S. F. (2005). Parental bonding and identity style as correlates of self-esteem among adoptees and non-adoptees. *FamRelat*, 54 (4), 523-34.
56. Rowatt, W. C., & Kirkpatrick, L. A. (2002). Two dimensions of attachment to God and their relation to affects, religiosity and personality constructs. *Faculty. Wm. Edu/lakirk/roatt.html*
57. Schwartz, S. J. (2007). The structure of identity consolidation: Multiple correlated constructs or one super ordinate construct? *Identity: Int J Theory Res*, 7(1), 27-49.
58. Sherr, L., & Lawrence, J. (2000). *Women Health and the Mind*. New York: John Wiley & Sons LTD.
59. Sim, T. N., & Loh, B. S. M. (2003). Attachment to God: Measurement and dynamics. *Journal of Social and Personal Relationships*, 20(3), 373-389.
60. Tamres, T. L. (2002). Sex differences in coping behavior. *Personality and Social Psychology Review*, 6(1), 2–30.
61. Taylor, S., & Asmundson, G. (2004). *Treating health anxiety*. New York: Guilford Press.
62. Thorson, J. A., & Powell, F. C. (2006). Elements of death anxiety and meaning of death. *Journal of Clinical Psychology*, 44, 691-701.

Archive of SID